

صراط

شیخ انصاری قله‌ای بود که به سادگی تکرار نمی‌شود



بعضی می‌گویند آقا شما به فقه و اصول بی‌اعتنایی کردید (در نتیجه) ما در حوزه، دیگر صاحب جواهر یا شیخ انصاری متخرج نداریم. این جزو حرف‌های رایج است. من این حرف را قبول ندارم. اولاً مثل شیخ انصاری کو؟ به نظرم نمی‌رسد که بعد از شیخ انصاری، هیچ کدام از شاگردان ایشان و شاگردان شاگردان ایشان تا امروز به رتبه شیخ انصاری رسیده باشند.

آن قالبی که شیخ علیه‌الر حمه برای استنباط فقهی بعد از صاحب جواهر و روی دست صاحب جواهر، شیخ فراهم کرده شما ملاحظه کنید تا معلوم شود فرق بین شیخ و صاحب جواهر چقدر است. بعد از صاحب جواهر، مگر ما

چند تا مثل صاحب جواهر در حوزه‌های علمیه تربیت کردیم که حالا از حوزه گله کنیم که صاحب جواهر تربیت نمی‌کنیم! خب، اینها قله‌هایی بودند، هر چند وقت یک‌بار، یک مجموعه علمی و انسانی به یک قله‌ای دست پیدا می‌کند. اگر در زمان ما صاحب جواهر یا شیخ انصاری درست نشد، جای گله نیست که چرا نتوانستیم؛ خیال کنیم که اگر ما فقط به

فقه و اصول می‌چسبیدیم، حالا چند تا صاحب جواهر داشتیم.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از اساتید و طلاب نخبه حوزه علمیه قم ۸۹/۸/۲

پیشخوان

«برهان عقیم»

در ویژه‌نامه نوروزی فرهنگ امروز

مطالبی از سعید نفیسی، روبرت صافاریان و همچنین مقایسه‌ای که میان سینمای سهراب شهیدثالث با عباس کیارستمی در این پرونده صورت گرفته کمک شایانی به درک سینمای سهراب شهیدثالث خواهد کرد. پرونده ادبیات این شماره به یک فضای ملتهب در ادبیات داستانی ایران پرداخته است؛ رمان جوان ایران. در نمایی کلی، رمان‌نویسان جوان بی‌محابا می‌نویسند بدون آنکه چشم‌اندازی به آینده داشته باشند و پیشکسوتان ادبی هم بیشتر گله‌مندند از این وضعیت و اندکی هم مشوق. فرهنگ امروز در پرونده سوار بر غبار پرونده‌های پیشین دارد؛ مصطفی ملکیان برخلاف احمدی و فرهادپور از انجام مصاحبه با فرهنگ امروز امتناع نکرد و در مصاحبه‌ای با پرونده فکری خود دفاع کرد و در مقابل نقدها از خود سعهٔ صدر نشان داد. همچنین نقد سیدجواد طباطبایی دربارهٔ تبعات ناگذاری



پروندهٔ برهان عقیم که پرونده‌ای است دربارهٔ تبعات و نتایج پروژۀ عقلانیت و معنویت مصطفی ملکیان، در ادامهٔ راهی است که فرهنگ امروز جهت سنجش عیار اندیشهٔ متفکران ایرانی در پیش گرفته است. اما این پرونده یک تفاوت اساسی با پرونده‌های پیشین دارد؛ مصطفی ملکیان برخلاف احمدی و فرهادپور از انجام مصاحبه بافرهنگ امروز امتناع نکرد

که سخنان مصطفی ملکیان پیرامون مفهوم ناسیونالیسم می‌تواند در پی داشته باشد، از مطالب خواندنی این پرونده است. بخش سینمای آخرین شمارهٔ سال ۹۶ فرهنگ امروز هدیهٔ ویژه‌ای است برای دوستداران سینما. تبعید به اتوپیا پرونده‌ای است مفصل و پربار در مورد سینمای سهراب شهیدثالث؛ سینماگری که در سه کشور ایران، آلمان و آمریکا سه چهرهٔ گوناگون دارد. این پرونده با گریزی به زندگی شهیدثالث کاوشی داشته در سینمای منفی، مادی و سیاسی او. در پیگیری این موضوع، فرهنگ امروز مصاحبه‌ای ترتیب داده است با میشل لنگفورد استاد مطالعات فیلم در مدرسه هنر و رسانهٔ UNSW استرالیا که مطالعات گسترده‌ای در مورد سینمای ایران و آلمان انجام داده است. همچنین مصاحبه با ماتیاس ویتمن، استاد دانشکدهٔ مطالعات رسانهٔ دانشگاه بازل سوئیس از دیگر مطالب خواندنی این پرونده است که در باب مدرنیته بدون مدرن‌نیزاسیون در سینمای شهیدثالث سخن گفته است.



پروندهٔ برهان عقیم که پرونده‌ای است دربارهٔ تبعات و نتایج پروژۀ عقلانیت و معنویت مصطفی ملکیان، در ادامهٔ راهی است که فرهنگ امروز جهت سنجش عیار اندیشهٔ متفکران ایرانی در پیش گرفته است. اما این پرونده یک تفاوت اساسی با پرونده‌های پیشین دارد؛ مصطفی ملکیان برخلاف احمدی و فرهادپور از انجام مصاحبه بافرهنگ امروز امتناع نکرد



شیخ انصاری با اشاره به مقبوله عمر بن حنظله، معتقد است از ظاهر این روایت چنین برمی‌آید که فقیه در زمان غیبت همچون حاکمان منصوب در زمان پیامبر (ص) و صحابه است و مردم موظفند در امور یادشده به آنان مراجعه و به نظر آنان عمل کنند

معتقد بودند «بحث از مسئله پرداخت وجوه شرعی به ولی در زمان غیبت امام معصوم (ع) موضوعیتی ندارد و بی‌مورد است»، جایگاه هرمدیف معصوم در این امور برای ولی فقیه در نظر گرفته و می‌نویسد: «اطلاّی ادله حکومت فقیه، فقیه را در رده اولی‌الامر قرار می‌دهد. اولی‌الامری که اطاعت از آن بر ما واجب است» و سپس به نحوی بر ادعای استاد خویش صحه می‌گذارد: «(مسئله‌ای مطرح است که) اگر امام یا نایب خاص یا نایب عام وی، درخواست زکات کند و مالک پاسخ مثبت ندهد و خود آن را بپردازد، چنین اجازه‌ای داشته است یا خیر؟ دو قول در مسئله وجود دارد که قول به عدم اجازه داشتن صحیح‌تر است، و این نظر بزرگانی چون شیخ طوسی، ابن‌حزمه، صاحب شرایع، صاحب مختلف و شهیدین در درس و روضه است.»

■ **اختیارات بسیط فقیه در نگاه شیخ انصاری**

همان‌طور که با ذکر نمونه‌هایی بیان شد، شیخ انصاری موضوع ولایت فقیه را نه تنها قبول دارد بلکه آن را بسیار گسترده‌تر از محدوده‌ای می‌داند که برخی علمای سلف با لفظ «ولایت بر مجبورین و…» تحدید کرده‌اند. گرچه شیخ به این موارد نیز اشاره دارد و به عنوان مثال در خصوص مسئله ارث افراد فاقد ولی، اذن را به نایب عام امام می‌دهد و می‌نویسد: «طبق اینکّه مشروعیّت این امر صرفاً بستگی به نظر مستقیم امام معصوم نداشته باشد و دوم اینکه این بستولیت توسط شارع مقدس به فرد یا گروهی دیگر به صورت مشخص واگذار نشده باشد»

هیچ‌گاه در نفی ولایت فقیه سخن نمی‌راند بلکه موضوع بحث او محدوده اختیارات ولی فیه است، کما اینکه حتی در همان کتاب پرداخت شود مخصوصاً در صورتی که آن راز مکاسب به ثبوت اصل ولایت فقیه نیز اشاره دارد. از جمله می‌نویسد: «با توجه به ادله آورده شده، روشن می‌شود ادله ولایت فقیه، ثبوت ولایت برای فقیه است، در همه‌اموری که مشروعیّت آن در خارج اجتناب‌ناپذیر است. به گونه‌ای که اگر ولی فقیه هم نباشد، خود مردم باید آن کارها را انجام دهند (امور مربوط به معیشت و زندگی و…) اما اموری که احتمال می‌دهیم جزو وظایف ویژه معصوم (ع) باشد از ادله ولایت فقیه نمی‌توان برای مشروعیّت آن استفاده کرد و باید سراغ ادله دیگری رفت.» نکته مهم دیگر در مکاسب شیخ انصاری آن است که گرچه ایشان به محدوده ولایت عامه فقیه، تشکیک کرده و آن را نیازمند حدود و تخصیص به موارد مشخص می‌داند اما به این مسئله در همین کتاب اشاره می‌کند که موضوع ولایت عامه فقیه، مسئله مشهوری میان علماست: «مسئله ولایت عامه فقیه به این‌اشکال نیست، گرچه در میان فقها شهرت دارد» و در باب‌خمس نیز اشاره می‌کند که در میان اصحاب معروف است که فقیهان، نایبان امام (ع) می‌باشند.»

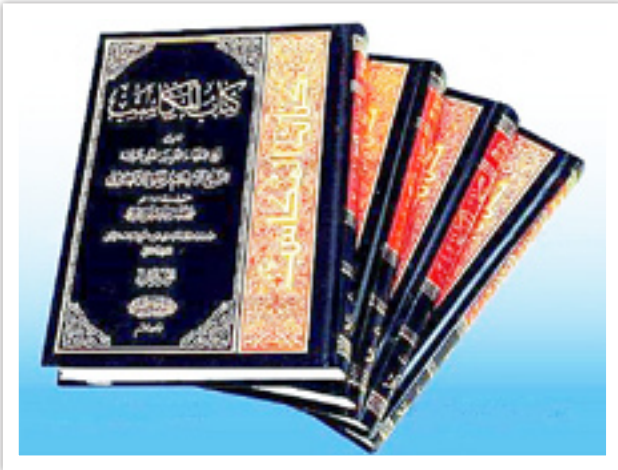
■ **فقیه و مسئله خمس و زکات** یکی از کلیدی‌ترین مباحث در ابواب فقهی که نظر علمای شیعه را در خصوص محدوده اختیارات ولی فقیه، از آن می‌توان فهمید، مسئله خمس و زکات است. شیخ انصاری نیز در کتاب زکات خود به صورت مفصل به این موضوع پرداخته است. مر حوم صاحب جواهر استاد شیخ انصاری چنانچه در مسئله وجوه شرعی می‌نویسد: «اگر به فردی جز نایب عام امام، وجوه شرعی پرداخت شود، بر ذمه فرد است و در صورت از بین رفتن عین آن دوباره باید زکات را به ولی فقیه پرداخت کند» شیخ انصاری نیز در پاسخ به برخی که

اشاره می‌کند در چنین وقایعی باید به فقیه شد، از اندیشه فقهی استاد خود نیز که یکی از توسعه‌دهندگان اصلی نظریه ولایت فقیه بود، بهره گرفت. گرچه شیخ انصاری محدوده اختیارات ولی فقیه را متفاوت از حدودی که صاحب جواهر ترسیم کرده بود می‌انگاشت اما همچون سایر علمای شیعه تردیدی در اصل موضوع وارد نمی‌کند. کتاب مکاسب شیخ انصاری، به اقتضای مسائل اجتماعی که در آن مطرح شده، در چند جای گوناگون به مسئله حکومت و حاکم اسلامی اشاره کرده است. از جمله در بخش «بیع» ایشان ضمن طرح مسئله ولایت فقیه، سه منصب کلیدی را برای جایگاه ولی جامعه برمی‌شمرد که عبارت‌ند از: «مقام فتوا»، «مقام قضا» و «مقام حکومت (اجرا)». این دسته‌بندی را شاید بتوان در طبقه‌بندی‌های مدرن حکومتی و نظام تفکیک قوا، همان سه شأن و بخش یک جامعه مسلمین در نظر می‌گیرند که آنها را هم‌تراز با تقنین قوانین اسلامی بوده؛مقام قضا همان قوه عدلیه و منظور از مقام حکومت شأن اجرایی اداره جامعه به حساب می‌آید.

شیخ انصاری، در دو شأن «فتوا» و «قضا» را مختص ولی فقیه دانسته و این مسئله را قطعی می‌داند. با تفسیر فوق می‌توان دو شأن اصلی از حکومت را با نظر قطعی شیخ انصاری منتسب به ولی فقیه دانست. ایشان در خصوص بعد سوم (حکومت‌داری) نیز، محدوده‌ای برای اجرای احکام در نظر می‌گیرد. به این صورت که ایشان سه دسته اعمال اجتماعی برای امور جامعه مسلمین در نظر می‌گیرند که آنها را این گونه برمی‌شمرند: «دسته نخست اموری هستند که مشروعیّت‌شان به‌اذن مستقیم امام معصوم بستگی دارد؛ مانند جهاد ابتدایی. در چنین اموری حکم اجرا یا اعطای مجوز توسط هیچ‌کس جز خود امام معصوم قابل صدور نیست. دسته دوم اعمال شرعی هستند که مرجع اعمال ولایت در آنها مشخص شده است. مثل نظارت پدر در امور فرزند یا شوهر در امر همسر. در چنین اموری چون منشأ آن دهنده مشخص است، لذا فقیه نیز به عنوان فردی از افراد جامعه در حیطه خود قادر به اعمال چنین اختیاراتی است، و اما دسته سوم، سایر اعمال است که دخالت یا اذن فقیه در صحت یا مشروعیّت آن اعمال برای ما مطرح است که از این مسائل با عنوان «حوادث واقعه» نام برده شده است.» شیخ انصاری با تعریف بسیطی از مفهوم «حوادث واقعه» بیان می‌دارد آنچه در روایت مورد اشاره معصوم (ع) قرار گرفته است (فاما الحوادث الواقعة…) به همه مسائل اجرایی و نیازمند دستور بازمی‌گردد. به بیان ایشان: «هراد از حوادث، مطلق اموری است که شرعاً، عرفاً و عقلاً مردم به رئیس خود مراجعه می‌کنند جهت تعیین تکلیف در انجام آنها» و



مر حوم شیخ انصاری که مر جعیت و زعامت عام شیعه را پس از مر حوم صاحب جواهر عهددار شد، از اندیشه فقهی استاد خود نیز که یکی از توسعه‌دهندگان اصلی نظریه ولایت فقیه بود، بهره گرفت. گرچه شیخ انصاری محدوده اختیارات ولی فقیه را متفاوت از حدودی که صاحب جواهر ترسیم کرده بود می‌انگاشت اما همچون سایر علمای شیعه تردیدی در اصل موضوع وارد نمی‌کند



■ **محسن مطلق** ولایت فقیه از جمله مسائل مطرح در فقه شیعی است که در کتب و آرای مختلف فقهی از صدر اسلام تاکنون توسط سلسله فقه‌های عظام شیعه مورد بحث قرار گرفته است. برخی علمای شیعه با توجه به کثرت ادله و تأییدات موضوع آن را جزو مسلمات دانسته‌اند. از جمله محقق کرکی این مسئله را موضوعی اجماعی در میان علمای شیعه می‌داند: «دوستان ما (فقها) بر این متفقند که فقیه عادل شیعه که همه شرایط افترا را دارد؛ از جانب امام زمان (عج) در حال غیبت در هر آنچه نایب باید به آن ورود کند، نیابت دارد.» مر حوم صاحب جواهر نیز مقوله ولایت فقیه را از مسلمات منطقی فقه شیعه می‌داند و می‌گوید: «آن که در ولایت فقیه تشکیک کند، قطعاً طعم را نچشیده است و رمز سخن اتمه (ع) را درک نکرده است.» به رغم آن که بسیاری از نهضت‌آزری حوزہ‌های علمیه شیعه خصوصاً در چند دهه گذشته بر اصل ولایت فقیه حواشی متعدد داشته و آن را توضیح داده یا تکمیل نموده‌اند، اما برخی می‌کوشند تا موضوع ولایت فقیه را مستحدث و ساخته‌تنی چند از معدود علمای شیعه نشان دهند که در واقع امام خمینی (ره) آن را تضییع و پرورش داده است. به عنوان مثال نهضت آزادی در مجموعه عقاید خود می‌کوشد با پیش کشیدن نام یکی از بزرگ‌ترین متجهدان حوزه علمیه- مر حوم شیخ انصاری- چنین بنمایاند که وی و عمده علمای تراز معاصر وی چنین اصلی را قبول نداشتند: «ولایت فقیه، مسئله‌ای مستحدث میان علماست و مشمولیت عام ندارد. این ایده را یک قرن و نیم پیش آقای ملا محمد نراقی مطرح کرده و دلایلی آورده که فقط عده اندکی از علما مانند آیت‌الله پروچرری پذیرفته‌اند. در برابر این عده اندک، بنیانگذاران صاحب مرجعیت شیعه هستند که نظر به ولایت فقیه را شددیدار ذکر کرده‌اند و رأی به بطلان وی بی‌اساسی آن داده‌اند. از آن جمله است مر حوم شیخ انصاری بزرگ‌ترین فقیه چند صدسال اخیر، صاحب کتاب مکاسب که مهم‌ترین کتاب در سی طلاب در حوزه‌های علمیه امروز است.» در این نوشتار ضمن بررسی برخی از کتب معروف شیخ انصاری، از جمله «مکاسب» کوشیده شده تا گوشه‌ای از عقاید این مرجع بزرگ حوزه‌های علمیه تا امروز بیان شود و بطلان ادعای «مستحدث‌بودن» ولایت فقیه در این باره، مورد سنجش قرار گیرد.

■ ■ ■

■ **ولایت فقیه در مکاسب**

مرحوم شیخ انصاری که مر جعیت و زعامت عام